

نگرشی کوتاه به حسابرسی داخلی

حسابرسی انواع: دوم بخش

حسابرسی ها اغلب به ۴ گروه اصلی تقسیم می - شوند:

۱- حسابرسی صورتهای مالی ۲- حسابرسی رعایت ۳- حسابرسی عملیاتی ۴- حسابرسی عملکرد مدیریت

۱- حسابرسی صورتهای مالی

این نوع حسابرسی عموماً صورتهای مالی اساسی مانند ترازنامه، صورت سود و زیان، صورت سود (زیان) انباشته و صورت گردش وجوه نقد را بررسی و هدف آن این است که حسابرس بتواند درباره اینکه صورتهای مزبور از تمام جنبه - های با اهمیت طبق استانداردهای حسابرسی و حسابداری تهیه شده - اند یا خیر، تأیید وجود، مالکیت، کامل بودن و نحوه ارائه و افشا، که اهداف کلی حسابرسی اقلام مندرج در صورتهای مالی است اظهار نظر کند.

۲- حسابرسی رعایت

اجرای حسابرسی رعایت به وجود اطلاعات قابل اثبات، ضابطه یا استاندارد شناخته شده ای بستگی دارد که توسط مقامات مجاز مقرر شده باشد. نمونه شناخته شده - ای از این نوع، رسیدگی اظهار نامه مالیاتی توسط ممیزان اداره دارایی است که خود نوعی حسابرسی به شمار می - آید. این حسابرسی به منظور تعیین مطابقت داشتن یا نداشتن اظهارنامه مالیاتی با قوانین مالیاتی و مقررات اداره دارایی انجام می - شود. مثال دیگری از حسابرسی رعایت، رسیدگی بانکها توسط بازرسان ادارات بازرسی بانکها می - باشد. این حسابرسی ها که متفاوت از حسابرسی داخلی و رسیدگی حسابرسان مستقل است رعایت قوانین و مقررات و رعایت استانداردهای متداول بانکداری از جمله دستورالعملها و بخشنامه - های سازمانهای ناظر سیستم بانکی را می - سنجد.

۳- حسابرسی عملیاتی

حسابرسی عملیاتی عبارت است از بررسی قسمتهای خاصی از سازمان به منظور سنجش نحوه عمل آنهاست. برای مثال عملیات قسمت دریافت کالای یک شرکت تولیدی می - تواند بر اساس میزان مؤثر بودن عملیات آن قسمت یا به عبارتی موفقیت آن در رسیدن به هدفها و مسئولیت های تعیین شده ارزیابی شود. نحوه اجرای عملیات قسمت نیز می - تواند با معیار کارایی، یعنی میزان موفقیت در بهترین استفاده از منابعی که در اختیار قسمت بوده است سنجیده شود. وسعت حدود حسابرسی عملیاتی اغلب ایجاب می - کند که تیم رسیدگی شامل متخصصان مختلفی چون مهندسان، حقوقدانان و کارشناسان IT باشند. عملیات مورد بررسی می - تواند در هر قسمت چون حسابداری، حقوقی، بازاریابی، فروش یا هر قسمت دیگر سازمان انجام شود. این نوع حسابرسی بیشتر با کارایی و توجیه اقتصادی عملیات مدیریت ارتباط دارد و اثربخشی

برنامه - های اجرا شده توسط مدیریت را مورد توجه قرار نمی - دهد.

۴- حسابرسی عملکرد مدیریت

حسابرسی عملکرد مدیریت عبارت است از برنامه - ریزی برای گردآوری و ارزیابی اطلاعات مربوط و کافی و همچنین شواهد قابل اطمینان توسط حسابرس مستقل، در ارتباط با این هدف حسابرسی که؛ آیا مدیریت یا کارکنان واحد مورد رسیدگی اصول و استانداردهای مناسب را در ارتباط با حسابداری، مدیریت و عملیات به منظور بکارگیری منابع واحد

تجاری توام با کارایی، توجیه اقتصادی یا اثربخشی اعمال کرده - اند یا خیر و اظهار نظر یا نتیجه -گیری و گزارش به شخص ثالث با توجه به شواهد به دست آمده در ارتباط با هدف حسابرسی انجام شده است یا خیر.

انواع حسابرس

۱- حسابرس مستقل

۲- حسابرس داخلی

- حسابرس مستقل

در حال حاضر حسابرسان جامعه حسابداران رسمی، حسابرسان سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی خصوصی که جزء جامعه حسابداران باشند در زمره حسابرسان مستقل عمل می - نمایند. بیشتر موارد حسابرسی انجام شده توسط این حسابرسان در حال حاضر در ایران حسابرسی صورتهای مالی می - باشد. اغلب حسابرسانی را که در مورد صورتهای مالی شرکت -ها اظهار نظر می - کنند حسابرس مستقل می - نامند. اگر چه شرکت -ها از بابت حسابرسی به آنها مبالغی را پرداخت می - کنند اما آنان این استقلال را دارند که گزارشات خود را به نحوی تنظیم نمایند که مورد اعتماد استفاده کنندگان باشند. حسابرسان می - کوشند تا از سطح استقلال نسبتاً بالایی برخوردار باشند تا به استفاده کنندگان از گزارشها و صورتهای مالی این اطمینان را بدهند که به گزارش آنها اعتماد نمایند.

- حسابرسان داخلی

هیأت تدوین استانداردهای حسابرسی، حسابرسی داخلی را چنین تعریف کرده است: "ارزیابی مستقلی که به وسیله مدیریت سازمان برای بررسی سیستم کنترل داخلی ایجاد می - شود. حسابرسی داخلی، کفایت سیستم کنترل داخلی را از لحاظ درست و مناسب، اقتصادی، اثربخش و کارآمد بودن استفاده از منابع سازمان آزمون می - کند و از طریق ارزیابی، میزان مؤثر بودن دستورالعمل -ها، کارایی روشها را کنترل و انعکاس نتایج را در قالب گزارشی مدون تهیه می - نماید. "

کنترل های داخلی

گسترش و پیچیدگی روز افزون و شتاب آمیز واحدهای اقتصادی در جهان پیشرفته امروز، فشارهای ناشی از کمبود منابع و افزایش رقابت، وجود انواع مخاطرات در زمینه -های مالی، اداری و تجاری که هدف ها و سیاستهای سازمانی آنها را چه از درون و چه از برون به شدت تهدید می - کند، سبب شده است تا کنترل مستقیم و انفرادی این گونه واحدها ناممکن شود و نیاز به استقرار یک سیستم اثر بخش کنترل داخلی به عنوان جزیی لاینفک از سیستم مدیریت کارآمد، مورد توجه جدی قرار گیرد.

از بهترین سازوکارهایی که در زمینه هدایت اثربخش و کارای سازمان ها- بخصوص بانک ها و نهادهای مالی- ابداع شده است مفهوم «کنترل داخلی» است. این مفهوم را می - توان مولود توسعه تفکر سازمانی و پیچیدگی ساختار سازمان -ها دانست که خود، محصول تکامل جوامع بشری و تحقق مفاهیم و مناسبات تجاری و صنعتی در آنها است. ره آورد تکامل این مناسبات؛ یکی هم تفکیک مفاهیم «نظارت» و «اجرا» بود. بستری که در ابتدا با تفکیک دو مقوله «مالکیت» و «مدیریت» از یکدیگر و تأکید بر ضرورت کنترل عملکرد «مدیران» توسط «مالکان»، زمینه ایجاد حرفه حسابرسی را پدید آورد و در ادامه روند تکاملی خود به گسترش و عمق بخشیدن به مفهوم دیگری تحت عنوان «کنترل -های داخلی» انجامید.

کنترل داخلی، بخش مهمی از مدیریت یک سازمان است. بخشی که شامل برنامه -ها، روش -ها و رویه -های مورد استفاده سازمان در دست یابی به رسالت وجودی و اهداف خرد و کلان خود است. هدف نظام کنترل داخلی و حسابرسی، بهبود توان

مدیریت‌های مالی و اداری از طریق محدود نمودن آندسته از رفتارهای مالی و اداری است که به اتلاف و تخصیص نامناسب منابع و بروز فساد می‌انجامد.

استقرار و استمرار یک نظام کنترل داخلی توانمند در سازمان، امکان مدیریت کارا و مؤثر سازمان را برای مدیریت آن فراهم می‌آورد. مدیران به خوبی می‌دانند در نبود یک سیستم کنترل داخلی اثربخش، تحقق رسالت اصلی شرکت، یعنی حفظ سودآوری و به حداقل رساندن رویدادهای غیرمنتظره بسیار مشکل است. مدیریت در مصاف با تغییرات سریع محیط‌های اقتصادی و رقابتی و تغییر تقاضا و سلیقه مشتریان و تجدید ساختار به منظور رشد در آینده، سیستم کنترل داخلی را به خدمت می‌گیرد تا بتواند به موقع از خود واکنش مناسب نشان دهد. ضمناً کنترل‌های داخلی باعث افزایش کارایی، کاهش ریسک از دست دادن دارایی‌ها و حصول اطمینان معقول از قابلیت اعتماد صورت‌های مالی و رعایت قوانین و مقررات می‌شوند. براساس تعریف ارائه شده از سوی کمیته سازمان‌های؛ مسئول کمیسیون ترد وی، COSO شامل انجمن حسابداران رسمی آمریکا، انجمن حساب‌رسان داخلی انجمن مدیران مالی انجمن حسابداری آمریکا و انجمن حسابداران مدیریت، پس از ۳ سال تحقیق و مطالعه، گزارشی معروف به گزارش COSO درباره تعریف مشترکی از واژه «کنترل» را به شرح ذیل ارائه کرد.

«کنترل داخلی به معنای فرآیندی است که توسط هیأت مدیره، مدیریت و دیگر کارکنان یک مؤسسه اجرا می‌شود و هدف از ایجاد آن، کسب اطمینانی منطقی و معقول از دستیابی به اهداف ذیل است:»

- ۱- دستیابی به اهداف مؤسسه اعتباری ۲- حصول اطمینان از اثربخشی و کارایی عملیات ۳- مدیریت کارآمد ریسک‌های بانکی ۴- حصول اطمینان از عملکرد مناسب گزارش‌گری (مالی و مدیریتی) و ارتقاء و شفافیت آنها ۵- حصول اطمینان از پایبندی تمامی واحدها و کارکنان مؤسسه اعتباری به رعایت قوانین و مقررات مربوط به استراتژی‌ها، برنامه‌ها، رویه‌ها و ضوابط داخلی ۶- محافظت از منابع و دارائیهای مؤسسه اعتباری در برابر هرگونه خسارت، زیان، سوء استفاده و اختلاس.